

مسکن و محظوظ

شماره ۱۵۷ ♦ بهار ۹۶ ♦

# ارزیابی عوامل مؤثر در ناکامی طرح‌های تجمعی مناطق روستایی

## (مطالعه موردنی: شهرستان پاوه، بخش نوسود، شهرک شرام)

مهردی طالب \*، حسین میرزایی \*\*، عفوات نادری \*\*\*

۱۳۹۳/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۴/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله:

### چکیده

برنامه‌ریزی "توسعه روستایی" به عنوان یکی از سازوکارهای رسیدن به توسعه، مستلزم شناخت دقیق مقتضیات و نیازهای جوامع روستایی، متناسب با شرایط مختلف می‌باشد. طرح‌های ادغام و تجمعی روستاهای به عنوان یکی از سیاست‌های مهم در "بازسازی روستاهای مناطق جنگزده" و " برنامه‌ریزی توسعه مناطق روستایی" مطرح گردیده است. در دوران بازسازی مناطق جنگزده طرح ساماندهی "شهرک شرام"، برای تجمعی روستاهای هانی گرمله، بیدرواز و کیمنه (استان کرمانشاه، شهرستان پاوه، بخش نوسود، دهستان شرام) تهیه گردید که با وجود برنامه‌ریزی‌های انجام شده، روستاییان ماندن در غربت یا رفتن به روستاهای اصلی و بازسازی نشده خود را بر سکونت در محل تجمعی ترجیح دادند. مسئله اساسی تحقیق حاضر، ارزیابی علل اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و کالبدی - فیزیکی ناکامی طرح‌های تجمعی روستایی با تأکید بر طرح تجمعی شهرک شرام می‌باشد. در این تحقیق با توجه به رویکردهای کالبدی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی و دیدگاه‌های نظریه پردازان مختلف در رابطه با مسائل ادغام و تجمعی، در صدد تبیین ارزیابی دلایل شکست پژوهه‌های تجمعی مناطق روستایی برآمدۀ ایم. در ادبیات تحقیق بسیاری از مهمترین منابع در مورد اسکان مجدد و ادغام و تجمعی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و تا حدودی توصیفی بوده و تکنیک مورد استفاده مصاحبۀ سازمان‌نیافته و در بعضی موارد خاص مشاهده و بررسی استداد و مدارک موجود بوده است. در قسمت یافته‌های تحقیق بعد از شناسایی علل و عوامل مختلف ناکامی طرح شهرک، مشخص گردیده است برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستاییان می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های تجمعی فراهم نماید. بر این اساس می‌بایست برای رسیدن به تفاهم و نقطه نظرات مشترک بین طرفین طرح‌ها، روابط مثبت و سازنده‌ای بین برنامه‌ریزان و روستاییان ایجاد شود و با عنایت به اینکه برنامه‌ریزی اغلب طرح‌های تجمعی با در نظر گرفتن رویکرد کالبدی - فضایی انجام گرفته (او این مورد نیز کم و بیش در تحقیق حاضر نمایان است)، توجه به رویکردهای کالبدی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی غیرقابل اجتناب می‌نماید و عملًا لزوم به کارگیری رویکردی جامع در برنامه‌ریزی اینگونه طرح‌ها ضروری خواهد بود.

واژگان کلیدی: ساماندهی، تجمعی، جابجایی، شهرستان پاوه، طرح شهرک شرام.

\* استاد گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

\*\* استادیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

\*\*\* کارشناس ارشد مدیریت توسعه.. Afwat12@yahoo.com

این مقاله برگفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول است که به راهنمایی دکتر مهدی طالب و مشاوره دکتر حسین میرزایی در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه تهران دفاع شده است.

## مقدمه

طرح‌های تجمعیع<sup>۱</sup> و ادغام روستاهای به عنوان یکی از سیاست‌های مهم در مورد بازسازی روستاهای مناطق جنگرده و برنامه‌ریزی توسعه مناطق روستایی مطرح گردیده و بر این اساس بعضی از روستاهای این مناطق در محل یکی از روستاهای و یا در محل های جدیدی تجمعیع و ادغام شده‌اند. تحمیل ۸ سال جنگ ناخواسته از سوی دولت عراق، باعث تخریب و تحمیل خسارات فراوانی بر بعضی از مناطق کشور و به ویژه مناطق مرزی گردید و ساکنین بسیاری از این مناطق را وادار به مهاجرت به سایر نقاط کشور نمود. همزمان با جنگ و در سال‌های بعد از آن جهت بازسازی و اسکان مجدد مردم مناطق جنگرده، سیاست‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و... بسیاری به کار گرفته شد تا در راه این مهم برای مردم مناطق جنگرده آسایش و آرامشی دوباره فراهم آید.

در دوران بازسازی مناطق جنگرده طرح ساماندهی<sup>۲</sup> شهرک شرام<sup>۳</sup> برای تجمعیع روستاهای "هانی گرمله"<sup>۴</sup>، "بیدرواز"<sup>۵</sup> و "کیمنه"<sup>۶</sup> (استان کرمانشاه، شهرستان پاوه<sup>۷</sup>، بخش نوسود، دهستان شرام) تهیه گردید که با وجود برنامه‌ریزی‌ها و کارهای زیر بنایی انجام شده برای این شهرک، استقبالی از آن‌ها به عمل نیامد و اهالی بعضی از روستاهای بیدرواز و کیمنه بعد از گذشت بیش از یک دهه از ارائه طرح مذکور هنوز با داشتن حداقل امکانات لازم به زندگی در روستاهای تخریب شده سابق، دلخوش کرده‌اند. بر این اساس مسئله اساسی تحقیق حاضر، ارزیابی عمل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- فیزیکی ناکامی طرح‌های توسعه روستایی با تأکید بر طرح تجمعیع شهرک شرام می‌باشد.

## ادبیات تحقیق

بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ عمران روستایی از سوی نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و... مورد توجه قرار گرفت و در زمینه ارائه بهتر خدمات تلاش‌هایی صورت گرفت، ولی همچنان توسعه نیافنگی جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری کاملاً مشهود بود. طرح‌های ساماندهی مناطق روستایی نیز از جمله طرح‌هایی بودند که برای بهبود وضعیت روستاهای مورد توجه قرار گرفتند. به طور کلی باید گفت که طرح‌های ساماندهی روستایی (در دوران بعد از انقلاب اسلامی) از سال ۱۳۶۸ با طرح ساماندهی جزیره آبادان آغاز گردید. زمینه‌های این طرح‌ها در برنامه دوم توسعه در فصل عمران روستایی تهیه و در طی برنامه سوم توسعه با تجدید نظرهایی که در آن‌ها صورت گرفت نقش خاصی در زمینه عمران و توسعه روستایی به خود اختصاص دادند. طرح‌های ادغام و تجمعیع نیز از جمله طرح‌های بودند که در قالب سیاست ساماندهی روستاهای قرار می‌گرفتند. «سابقه اجرای سیاست ادغام و تجمعیع روستاهای در کشور نیز از ابتدا تاکنون این موضوع را نشان می‌دهد که این سیاست نه در شرایط عادی بلکه در شرایط خاص بازسازی مناطق روستایی آسیب‌دیده اجرا شده است. اولین مورد شناخته شده اجرای این سیاست به سال ۱۳۴۷ در بازسازی مناطق زلزله‌زده جنوب خراسان است. پس از آن در سال ۱۳۵۶ نیز در بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله در استان چهار محال و بختیاری، سیاست تجمعیع و ادغام اجرا گردید. در ادامه بازسازی مناطق آسیب‌دیده از سیل در سیستان و بلوچستان (۱۳۷۰-۱۳۷۱)، بازسازی روستاهای سیل زده در استان فارس (۱۳۷۲)، بازسازی مناطق جنگزده کشور در استان خوزستان طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۲ و طرح

## مبانی و چارچوب نظری

ارزیابی به عنوان یکی از روش‌های بررسی طرح‌های توسعه مناطق روستایی مطرح و مدنظر قرارگرفته است. ارزیابی به عنوان یکی از شیوه‌های بررسی طرح‌های توسعه معمولاً در دو برهه زمانی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: ۱- در زمان اجرای برنامه ۲- در پایان و به منظور ارزیابی آثار و پیامدهای برنامه. در ارزیابی، فرایند پیش‌بینی و تحلیل جریاناتی که در اثر مدیریت یا اقدامات سیاست‌گذارانه به وجود می‌آید براساس راهبردهای نظری خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که در ارزیابی معمولاً براساس چارچوب برنامه‌ریزی و راهبردهای عملی، آثار و پیامدهای طرح‌های توسعه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد (از کیا ، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر نیز با عنایت به دیدگاه‌های حاکم بر توسعه روستایی، دیدگاه موافقان و مخالفان ساماندهی سکونتگاههای روستایی، نقطه نظرات کارشناسان توسعه روستایی در زمینه جابه‌جایی و ادغام روستاهای... در صدد ارزیابی علل ناکامی طرح‌های تجمیع مناطق روستایی برآمدۀ ایم.

یکی از انواع سیاست‌ها در برنامه‌ریزی سکونتگاههای روستایی، سیاست اسکان مجدد از طریق جابه‌جایی، ادغام و تجمیع روستاهاست»(رضوانی، ۱۳۸۶:۱۳۸۳). دانشمند سیاسی وارن ون ویکلین می‌گوید که سیاست‌های اسکان مجدد به خوبی می‌توانند منابع بودجه‌ای را بسوی اسکان مجدد سوق دهند و منابع جدیدی نیز به وسیله خود پروژه‌ها به منظور بهبود بخشیدن به شرایط اقتصادی اسکان‌یافتگان و توانمندسازی آن‌ها برای مشارکت در منافع توسعه ایجاد نمایند(Cerneanu, 1995).

کارشناسان توسعه روستایی در زمینه جابه‌جایی و ادغام

تفصیلی و آماده‌سازی محور شلمچه (۱۳۷۳) و بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان در سال ۱۳۶۹ نیز مواردی از اجرای سیاست جابه‌جایی<sup>۱</sup>، ادغام و تجمیع روستاهای وجود دارد» (رضوانی، ۱۳۸۳:۱۸۹).

از جمله مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان موارد زیر را نام برد:

- ادغام روستاهای دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی ناشی از آن در روستاهای زلزله‌زده روبار و منجیل از محمدمهدی رحمتی.

- طراحی روستاهای جنگزده خوزستان از عباس شاکریزاده ابیانه و سیدحسن میری.

- ارزیابی نتایج حاصل از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور (سیستان و بلوچستان) از حسن افراخته.

- بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس از حسن ایزدی خرامه (افراخته ، ۱۳۷۶).

- روند جابه‌جایی و ادغام روستاهای آن از صباح مرادی (مرادی ، ۱۳۷۶).

به طور کلی اهم مواردی که در متون و منابع مورد بررسی مدنظر قرارگرفته اند، عبارتند از:

- قریب به اتفاق این مطالعات برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های تجمیع مناطق روستایی (به عنوان بخشی از پروژه توسعه روستایی)، فقط یکی از عوامل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی- فیزیکی و... را مورد توجه قرار داده‌اند؛

- بیشتر مطالعات از روش‌های کمی(پرسشنامه و...) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده نموده‌اند و در کمتر مواردی از روش‌های کیفی استفاده شده است.

روستاه را براساس کیفیت نگرش به موضوع، از سه بعد می‌توان بررسی کرد:

- دیدگاه موافق با اجرای طرح‌های جابه‌جایی و ادغام: «با نگرشی صرفاً مکانیکی و چشم‌پوشی از عواقب اقتصادی و اجتماعی اجرای چنین طرح‌هایی، تنها به ظاهر قضیه می‌پردازند» (رحمتی، ۱۳۷۴: ۶۶).

- دیدگاه مخالف جابه‌جایی مکانی جمعیت: «به اعتقاد صاحب‌نظران این دیدگاه، روستا دارای یک هویت فیزیکی محض نیست که به سادگی بتوان آنرا جابه‌جا کرد و در این صورت نه تنها مشکل حل نخواهد شد، بلکه پیامدها و اثرات زیانباری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... پدیدار خواهد گشت» (رحمتی، ۱۳۷۴: ۶۶).

- دیدگاه سوم دیدگاهی تلفیقی است. این دیدگاه «با محور قرار دادن توسعه منطقه‌ای و ملی، اجرای طرح‌های جابه‌جایی و اسکان مجدد را در چارچوب رهیافت توسعه روستایی مورد توجه قرار داده است. در این دیدگاه در وهله نخست تأکید بر حفظ موجودیت فعلی روستاه و مکان‌های جمعیتی می‌شود و تنها در صورت تضمین حفظ استانداردهای مورد نظر و رعایت معیارهای مناسب، اجرای چنین برنامه‌هایی مجاز شمرده می‌شوند» (رحمتی، ۱۳۷۴: ۶۶).

از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی و... «در برنامه‌ریزی روستایی، باید همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فضایی در سازماندهی برنامه‌ها مورد توجه قرار بگیرد تا توسعه و برنامه‌ریزی یکپارچه حاصل شود» (رکن الدین افتخاری، ۱۳۷۳: ۶۵). در رویکرد کالبدی - فضایی سطح بندي مناطق روستایی و شیوه‌ها و استانداردهای ارائه خدمات به روستاییان مورد توجه قرار می‌گیرد و توجه به ابعاد کالبدی - فضایی در این رویکرد، در مقابل گرایش به ابعاد اجتماعی و اقتصادی برنامه‌ریزی توسعه روستایی شکل گرفته است. توجه به

وضعیت اجتماعی و فرهنگی ساکنان مناطق روستایی و تأثیرات خدمات ارائه شده به روستاییان در رویکرد اجتماعی - فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. ناکامی رویکردهای توسعه روستایی که بر جوانب خاص توسعه اجتماعی یا اقتصادی یا نهادی - کالبدی تکیه داشتند و ارزیابی‌های به عمل آمده درباره برنامه‌ها و طرح‌ها توسعه، باعث گردید تا از اوایل دهه ۱۹۷۰ رویکرد توسعه همه جانبی روستایی شکل گیرد. براساس این رویکرد دست یافتن به توسعه روستایی به یک دید و نگرش جامع و سیستمی نیاز دارد. نوع مشارکت در این رویکرد با توجه به همه جانبی بودن آن بایستی تمامی مراحل یک طرح یا برنامه را نیز در برگیرد.

در دوره‌های اخیر کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت که بحث "مشارکت" و "نظریه‌های مشارکت" در آن وارد نشده باشد. «مفهوم مشارکت در دیدگاه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی هم به منزله هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه بوده است» (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۸) «توسعه روستایی بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهه ۱۹۷۰ و دهه ۱۹۸۰ به صورت گسترشده مطرح شد. تمرکز اصلی نظریات این گروه بر دو اصل "توسعه روستایی یکپارچه به مثابه توسعه ملی" و "مشارکت مردم" مبتنی بود» (حامد مقدم، ۱۳۷۳: ۲۹۳). از سوی دیگر اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در عرصه مشارکت مطرح می‌باشد. به طوری که بسته به وضعیت سرمایه‌اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی موجود در جامعه، به طور مستقیم میزان مشارکت نیز تغییر خواهد کرد (پاتنام، ۱۳۸۶ و صمیمی، ۱۳۸۶).

بنابراین به طور کلی باید گفت با عنایت به اینکه تحلیل‌های به کار رفته پیشین در باب دلایل شکست پژوهش‌های تجمعی مناطق روستایی، به صورت خواسته یا ناخواسته دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده‌اند، در این

- به نظر می‌رسد با وجود اهمیت تمامی عوامل فوق، مسائل و موضوعات اجتماعی - فرهنگی به عنوان مهمترین دلایل عدم موفقیت طرح‌های تجمیع ایفای نقش می‌نمایند.

#### روش‌شناسی

با مد نظر قرار دادن روش‌های کمی به کار گرفته شده در اکثر تحقیقات پیشین و با عنایت به اینکه مطالعه حاضر بیشتر به منظور استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های آینده مناطق روستایی و... انجام گرفته است و اینکه پس بردن به عمق نظرات و دیدگاه‌های مردم در طرح‌های توسعه مناطق روستایی با در نظر گرفتن سوالات اساسی تحقیق، نیازمند استفاده از روش‌های کیفی می‌باشد؛ لذا از روش کیفی برای انجام تحقیق حاضر استفاده شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه «احتمال بیشتری می‌رود که فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را در مصاحبه‌هایی که طراحی "باز" دارند کامل‌تر بیان کند، تا در مصاحبه‌های استاندارد یا آن‌هایی که با کمک پرسشنامه انجام می‌گیرند». (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۶۶). لذا از ابزار (یا تکنیک) مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی افراد سرپرست خانوار از میان جمعیت واقعی سه روستای هانی‌گرمله، کیمنه و بیدرواز می‌باشد و با توجه به وضعیت تحقیق حاضر و همه جانبه نگریستن آن، تا حد ممکن دست اندرکاران طرح شهرک شرام در سطح نهادها و دستگاه‌های دولتی نیز شامل جامعه آماری تحقیق حاضر می‌باشند. از سوی دیگر با عنایت به گسترش جامعه آماری تحقیق در سطح چند شهرستان و عدم شناخت کامل جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۹</sup> یا تئوریک<sup>۱۰</sup> استفاده می‌شود.

حجم نمونه<sup>۱۱</sup> در این تحقیق براساس به حد اشباع رسیدن داده‌ها تعیین گردیده، بدین ترتیب تا زمانی که

تحقیق با در نظر گرفتن عوامل و متغیرهای بیشتری در زمینه‌های فضایی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی چهارچوب نظری وسیع‌تری در نظر گرفته شده است و با توجه به رویکردهای کالبدی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی، راهبرد مشارکت در توسعه روستایی، نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی و... در پی تبیین ارزیابی دلایل شکست پژوهه‌های تجمیع مناطق روستایی، برآمده‌ایم.

#### سؤالات و فرضیات تحقیق

براساس موارد مذکور سؤال اساسی تحقیق حاضر این خواهد بود: دلایل شکست پژوهه‌های ساماندهی مناطق روستایی (با تأکید بر پژوهه‌های ادغام و تجمیع مناطق روستایی) کدامند؟ و اینکه آیا عوامل و دلایل کالبدی - فضایی، اقتصادی و اجتماعی شکست پژوهه‌های تجمیع مناطق روستایی، دارای اهمیت یکسانی هستند؟ و در نهایت اینکه مهمترین دلایل عدم موفقیت طرح‌های تجمیع، به کدامیک از دلایل سه‌گانه فوق مربوط می‌شود؟ به این ترتیب مهمترین فرضیات تحقیق حاضر در

قالب ۳ مورد اصلی زیر مطرح می‌گردد:

- به نظر می‌رسد ناکامی طرح‌ها به مسائل و موضوعات فیزیکی - کالبدی (تأمین فضای زندگی در محل جدید، عدم تغییر الگوی مسکن جدید، دسترسی به خدمات زیربنایی و...)، اجتماعی - فرهنگی (دگرگونی الگوی مدیریت روستایی، دگرگونی روابط اجتماعی و...) و اقتصادی (تغییر ساختار شغلی، بالا رفتن هزینه‌های زندگی و کاهش درآمد و...) بستگی دارد.

- به نظر می‌رسد با وجود نقش مسائل و موضوعات فیزیکی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی در عدم موفقیت طرح‌های تجمیع، بنابر شرایط و وضعیت زمانی و مکانی خاص، این عوامل دارای اهمیت یکسانی نباشند.

داده‌ها و نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها به صورت تکراری نباشد نمونه‌گیری ادامه یافته است. در تحقیق حاضر علاوه بر نظرات مخالفین، دیدگاه‌های موافقین و برنامه‌ریزان و دست اندرکاران مستقیم یا غیر مستقیم طرح شهرک شرام نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر این اساس ۳۹ مصاحبه سازمان‌نیافته با مخالفین، موافقین و مسئولین و دست اندرکاران مستقیم یا غیر مستقیم طرح شهرک شرام صورت گرفته است. به این ترتیب که با توجه به مخالفت اکثریت مردم با طرح شهرک با ۳۳ نفر از مخالفین، ۳ نفر از موافقین و ۳ نفر از مسئولین و دست اندرکاران مصاحبه‌هایی به عمل آمده است. در تحقیق حاضر سعی گردیده براساس معیارهای علمی و اخلاقی از هرگونه جهت‌گیری خاص اجتناب گردیده و به صورت کاملاً بی‌طرف و به عنوان یک ناظر خارجی مطالب و موضوعات جمع‌آوری و مورد بررسی علمی قرار گیرد و سعی گردیده تا حد ممکن با استفاده از دو روش مقبولیت و انتقال‌پذیری، داده‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند.

در این تحقیق جمع‌آوری و تحلیل داده‌های همه مصاحبه‌های پیاده شده، به صورت همزمان انجام شده و مصاحبه‌های مذکور به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استرواس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و هر مصاحبه تا حد ممکن قبل از انجام مصاحبه بعدی کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردیده و در این راه از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

**مشخصات کلی منطقه، روستاهای و طرح مورد مطالعه**

استان کرمانشاه یکی از استان‌های غربی کشور می‌باشد که از شمال به استان کردستان، از شرق به استان‌های همدان و لرستان، از جنوب به استان ایلام و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. شهرستان پاوه به عنوان یکی از ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه دارای ۴

شهر با نام‌های پاوه، نودشه، نوسود و باینگان بوده و شهر پاوه مرکز شهرستان می‌باشد. بخش نوسود یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان پاوه، با مرکزیت شهر نوسود می‌باشد. در سرشماری سال ۱۳۸۵ بخش نوسود دارای ۲ شهر به نام‌های نودشه و نوسود، یک دهستان به نام سیروان و ۱۷ آبادی بوده است.

اهالی ۳ روستا مورد تحقیق به صورت متناوب در خلال سال‌های ۱۳۵۸، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ و ۱۳۶۰ مجبور به ترک روستاهای خود شده‌اند. بعد از پایان جنگ و به دلیل اطمینان از عدم کسب اجازه بازگشت به روستاهای اصلی خود، در فواصل سال‌های ۱۳۶۵ الی ۱۳۷۵ به طور متناوب شروع به ساخت مسکن و اسکان تقریباً دائمی در سطح شهرستان‌های پاوه و مریوان نمودند.

بعد از اتمام جنگ تحمیلی و در سال ۱۳۷۴ طرح شهرک شرام جهت تجمعی روستاهای هانی گرمله، کیمنه و بیدرواز در محلی جدید، ارائه گردید. بعد از تعیین محل شهرک و پیش‌بینی تأمین آب آن(منطقه مارانی به عنوان محل شهرک شرام، و پیش‌بینی تأمین آب آن از خرخره)، در پاییز سال ۱۳۷۴ کار نقشه برداری شهرک مزبور با کمک ۲ مؤسسه مهندسین مشاور نقشه‌برداری و یک موسسه طراحی نقشه، به صورت تهیه طرح بافت فیزیکی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آغاز گردید. در زمستان ۱۳۷۴ و بهار سال ۱۳۷۵ تهیه طرح بافت فیزیکی، تهیه معابر و پیش‌بینی ارائه خدمات به اتمام رسید و در خرداد سال ۱۳۷۵ عملاً افتتاح گردید. در این شهرک محل هر یک از روستاهای جنگزده با توجه به دوری و نزدیکی به باغات و زمین‌های زراعی هر یک از روستاهای معین شد و ظاهراً قطعه‌های زمین واگذار شده به مردم از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مترمربع بوده است. در مجموع برای شهرک شرام ۲۶ خانوار از اهالی روستاهای هانی گرمله و کیمنه(۲

يعنى عملاً اگر طرح شهرک بعد از جنگ به صورت فوري ارائه مى شد و يا اگر روستاها بعد از جنگ تحميلى بدون فوت زمان بازسازی مى شدند قطعاً امكان موقعيت و بازگشت مردم به روستاها بسيار ييستر از زمان ارائه طرح شهرک شرام بود.

در اكثريت موارد مصاحبه شوندگان وجود فرهنگ مشاركتي ميان اهالي اين سه روستا را تأييد نموده اند و در سطح خرد نيز مى توان مصاديقی از مشاركت را در ميان روستائيان مشاهده نمود و وجود چنین روحيه اي عملاً در ميان روستائيان به صورت مستقيم و يا غير مستقيم مى توانست در موقعيت طرح شهرک تأثيرگذار باشد و برنامه ريزان و دست اندر کاران طرح شهرک مى توانستند مراحل را آن چنان برنامه ريزی نمایند که از اين روحيه مشاركتي مردم نهايت استفاده را بنمایند.

از سوي ديگر يكى از مهمترین جنبه هاي طرح شهرک شرام ابعاد اقتصادي قضيه بوده است. در اين رابطه دو جنبه اصلی که مورد نظر مصاحبه شوندگان بوده اند عبارتند از: ۱- فقر و ناتوانی اقتصادي روستائيان، ۲- کمبود کمکها و مساعدت هاي دولتي به روستاييان جنگزده.

وضعیت فیزیکی - کالبدی شهرک نیز دارای مزايا و مواني در راه طرح شهرک شرام بود. بدین معنا که ايجاد تغييرات در ساخت و بافت فیزیکی واحد هاي مسکونی در شهرک به عنوان نماد بارز تغييرات فضائي - کالبدی برخی منافع و مزايا را برای روستائيان به ارمغان می آورد و از سوي ديگر برخی مواني را بر سر راه طرح شهرک ايجاد مى نمود و نهايتأ (براساس نظر مصاحبه شوندگان) اين مواني ايجاد شده بر مزايا و منافع به وجود آمده، غالب گردیدند.

در ابتدا باید گفت که موافقین طرح نیز مانند مخالفین بر وضعیت روابط و مناسبات حاکم در بین روستاييان

خانوار) [در روستاي بيدرواز کسى متقارضي دريافت زمين برای اسکان نشده است] متقارضي دريافت زمين و ساخت مسكن شده و شروع به کار نمودند و در ادامه غير از ۳ واحد مسکونی که تكميل گردید و متقارضيان در آنها اسکان یافتند، بقیه نهايتأ کار خود را تا پي کنى واحد مسکونی دنبال و سپس آنرا رها نمودند.

### يافته هاي تحقيق

در تحقيق حاضر تعداد ۳۹ مصاحبه عميق و نيمه ساختار يافته صورت پذيرفته و از ميان مصاحبه شوندگان به تناسب جمعيت روستاها با ۱۵ نفر از اهالي هاني گرمه (۲ نفر از آنها مخالف)، ۱۲ نفر از اهالي كيمنه (۱ نفر از آنها مخالف) و ۹ نفر از اهالي بيدرواز و ۳ نفر از برنامه ريزان و دست اندر کاران طرح شهرک با ميانگين سنی ۵۴ سال مصاحبه شده است. در اين ميان، محل سکونت ۱۵ نفر از مصاحبه شوندگان شهر مريوان (مرکز شهرستان مريوان در استان كردستان)، ۱۱ نفر شهر پاوه (مرکز شهرستان پاوه در استان كرمانشاه)، ۴ نفر روستاي چورژي (از توابع بخش مرکزي شهرستان پاوه)، ۳ نفر روستاي هاني گرمه (از توابع بخش نوسود شهرستان پاوه)، ۳ نفر روستاي قلعه جي (از شهرستان سرو آباد در استان كردستان)، و ۳ نفر روستاي کانى دينار (از توابع بخش مرکزى شهرستان مريوان) بوده است. از نظر سطح سواد و تحصيلات مصاحبه شوندگان ۵ نفر ليسانس، ۹ نفر فوق دипلم، ۸ نفر دипلم، ۴ نفر سيكل، ۸ نفر ابتدائي و ۵ نفر بي سواد بوده اند.

براساس يافته هاي تحقيق مى توان گفت که مسائل و مشكلات اجتماعي يكى از مهمترین دلائل و علل ناکامي طرح شهرک شرام بوده است که بسياري از مصاحبه شوندگان، به وجود آمدن مسائل و مشكلات اجتماعي را مرتبط با مشكلات جنگ، آوارگي و مهاجرت مردم و روستائيان به ساير نواحي مى دانستند.

قبل از آوارگی اتفاق نظر داشته‌اند. آنچه جای تأمل است اینکه موافقین طرح نیز بسیاری از علل و عوامل مؤثر بر ناکامی طرح شهرک را تأیید و تکرار نموده‌اند، و دلیل اینچنین موردی را باید بر ناچاری موافقین بر اسکان در شهرک جستجو نمود. به طوری که وضعیت نامناسب اقتصادی، اجتماعی و... این افراد در زمان آوارگی باعث قبول زندگی و اسکان در هر جایی از منطقه خود، حتی شهرک شرام شده است!

در مصاحبه‌های به عمل آمده با مسئولین و دست‌اندرکاران، هدف اصلی از ارائه چنین طرحی و تجمیع ۳ روستا در مرحله اول تجمعی خدمات و امکانات برای روستاییان و ارائه آن به صورت مناسب و مطلوب‌تر و در مرحله بعد تأمین امنیت بیشتر برای روستاییان، عنوان شده است. براساس یافته‌ها سعی و تلاش مسئولین و دست‌اندرکاران بر توجیه طرح و کارهای انجام شده برای آن بوده است. هر چند برخی از توجیهات آن‌ها نیز منطقی بوده و در برنامه‌ریزی طرح کمتر به زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی توجه داشته‌اند، ولی به طور کلی دلایل و مشکلات شکست طرح شهرک را در وهله اول در قالب مشکلات فرهنگی - اجتماعی مردم دیده‌اند و در ادامه به جنبه‌های اقتصادی قضیه اشاره نموده‌اند و سایر موارد و مشکلات را چندان دخیل ندانسته‌اند.

به طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر و براساس تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده می‌توان دلایل و عوامل ناکامی طرح شهرک شرام، از نظر مخالفین، موافقین و دست‌اندرکاران را به شرح زیر بیان نمود:

### عوامل اجتماعی - فرهنگی

براساس یافته‌های تحقیق مردم این روستاهای و دیگر مناطق اورامان دارای خصوصیات فرهنگی و اخلاقی مشترکی بوده‌اند، اما به وجود آمدن بسیاری از مسائل و

مشکلات در یک محدوده جغرافیایی مشخص و مستقل به نام شهرک امکان‌پذیر بود؛ بدین معنا که اگر استقلال یک فرد روستایی سلب می‌شد رفتار آن‌ها قابل پیش‌بینی نبود. ساختارشکنی در جوامع سنتی بسیار مشکل است، ولی از سوی دیگر با فرهنگ و کارکردهای جدید در آن محیط زندگی کردن نیز بسیار دشوار است. طرح شهرک نیز عملاً به دلیل مواجه ساختن مردم با ساختارشکنی‌های اجباری و ایجاد برخی ساختارهای جدید باعث بروز مشکلاتی از این قبیل می‌شد. به طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر عوامل اجتماعی - فرهنگی ناکامی طرح شهرک عبارتند از :

۱. به وجود آمدن اختلافات و ناهنجاری‌ها در میان روستاییان؛ به دلیل تجمیع روستاییان در یک مکان.
۲. مشکلات در انتخاب شورا یا نمایندگان غیررسمی و اختلاف نظر بین اعضای شورا یا نمایندگان.
۳. عدم مشخص بودن مالکیت زمین شهرک (از قدیم بر سر آن اختلاف بوده است).
۴. سلب استقلال روستاییان و احساس عدم تعلق و عدم وابستگی عاطفی به محل شهرک (احساس غربت کردن).
۵. انس و الفت، علقوه‌های فرهنگی و وابستگی مردم به روستاهای اصلی و زادگاه آباء و اجدادی خود.
۶. عدم تمایل به مسئله شهرک‌نشینی و محل انتخاب شده برای شهرک.
۷. اختلاف بر سر تملک مرتضع و مکان‌های جدید در محل شهرک، منابع آبی و آب زراعی و... .
۸. انتخاب خودسرانه محل شهرک از سوی برخی از برنامه‌ریزان و ترغیب مردم برای خانه‌سازی.
۹. دخالت برخی روستاییان فرصت طلب در جریان انتخاب محل شهرک.

و آمد و رفت به باغات، مزارع و مراعع.  
۶. اتلاف وقت مردم در سرکشی از باغات و مراعع، یا رفت و آمد به روستاهای اصلی (به صرفه نبودن).

#### عوامل کالبدی- فضایی

دلایل و موانع فضایی - کالبدی نیز در کنار سایر دلایل نقشی عمده و اصلی در ناکامی طرح شهرک شرام ایفا نموده است. این اهمیت زمانی آشکار می‌شود که برنامه‌ریزان و دست اندکاران وقت از ابتدا چنین توجیهات و دلایلی را برای طرح شهرک متصور شده بودند، ولی هر چند در سطح ظاهری چنین تأکیدی نمایان بوده است اما با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های به عمل آمده، مشخص می‌شود که چنین تأکیدی در بطن و واقعیت قضیه چندان مطرح نبوده است؛ به طوری که با مدنظر قرار دادن دانش بومی روستاییان در این زمینه می‌توان برخی از توجیهات کارشناسان فنی طرح را معیوب دانست. برخی از مشکلاتی که در این رابطه بیشتر به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از: ۱- از لحاظ زمین‌شناسی همه ساله سطح وسیعی از زمین محل شهرک تحت تأثیر رانش زمین قرار می‌گرفته است ۲- از محل کسب و کار که باغات و زمین‌های کشاورزی، مراعع و... می‌باشد دور بوده و کشاورز روستایی در هنگام رفتن و مراجعه به خانه حداقل ۲ ساعت از وقت خود را تلف شده می‌دید. ۳- افراد کهنسال که علاقه‌ای زیاد به بغدادی داشتند درآمد و رفت مشکل پیدا می‌کردند ۴- مشکلات خدمات عمومی، آب آشامیدنی و تهیه آن.

به طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر در این زمینه نیز عوامل ناکامی طرح شهرک عبارتند از:  
۱. موقعیت جغرافیایی نامناسب محل شهرک، مثلاً موقعیت کوهستانی برف‌گیر و شیب نامناسب آن.

۱۰. عدم لحاظ آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده و عواقب کار برای طرح شهرک.

۱۱. عدم هماهنگی و فاصله بین برنامه‌ریزان و مردم، به دلیل عدم وجود صداقت و اعتماد فیمایین.

#### عوامل اقتصادی

در رابطه با عوامل اقتصادی مصاحبه‌شوندگان به صورت کامل اتفاق نظر داشتند که بعد از جنگ ۹۰ درصد واحدهای مسکونی و باغات و مزارع تخریب شده بود. آن‌چنان که واضح است این چنین تخریبی بیشتر به دلیل جنگ، ۱۵ سال دوری از منطقه و عدم مراقبت از باغات مراعع و واحدهای مسکونی صورت گرفته است. در نهایت چنین مجموعه دلایلی با نابود شدن تمامی امکانات و خدمات زیربنایی قبلی روستاهای (آب، برق، لوله‌کشی، مدرسه، مسجد، حمام و...)، لمیزروع شدن شبکه‌های آبیاری، تخریب باغها و تاکستان‌ها، از بین رفتن شبکه‌های آبیاری، تخریب واحدهای مسکونی و...، باعث تحمیل خسارات ۱۰۰ درصدی به منطقه شده‌اند. به طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر عوامل اقتصادی ناکامی طرح شهرک عبارتند از:

۱. فقر و کم توانی اقتصادی و در کل وضعیت نامناسب مالی مردم، به وجود آمدن مشکلات اقتصادی و از دست دادن اشتغال و منابع درآمدی سابق روستاییان.

۲. کمبود فضای مناسب برای فعالیت‌های بغدادی و دامداری و دیگر مسائل مرتبط مثلاً بالا رفتن هزینه نگهداری باغات، عدم دسترسی به مرتع و... .

۳. مشکلات آبیاری باغات و بی اطلاعی روستاییان از وضعیت کاشت، داشت و برداشت.

۴. محدود بودن کمک‌های دولتی، مثلاً کم بودن خسارات پرداختی و... .

۵. هزینه‌های بالای ایاب و ذهاب به روستاهای اصلی

۲. مجاورت با مرز و مسائل مرزی ناشی از آن.  
۳. نبود زمین مناسب برای فعالیتهای باغداری و دامداری.

۴. مشکلات زمین‌شناختی و رانش زمین و نامناسب بودن برای ساخت‌وساز.

۵. نبود فضای گردشگری و از بین رفتن مناظر زیبای طبیعی روستاهای اصلی.

۶. دوری از معادن و مصالح ساختمانی بومی، مثلاً معادن سنگ ساختمانی.

۷. مشکلات در تقسیم امکانات و خدمات اساسی آموزشی، بهداشتی.

۸. کمبود آب و مشکل تأمین آب شرب و آب زراعی.

۹. اجبار در مقاوم سازی واحدهای مسکونی.

۱۰. کمبود مساحت زمین شهرک و عدم فضای لازم برای استقرار جمعیت روستاهای و زیربنای کم واحدهای مسکونی.

۱۱. نداشتن فضای لازم جهت توسعه شهرک در آینده.

## نتیجه

براساس تحقیق به عمل آمده، طرح شهرک برای روستاهای منطقه مورد تحقیق روشنی نامناسب بوده است. زیرا در این روستاهای مردم به خاطر باغداری و دامداری باید نزدیکترین نقطه را برای اسکان خود انتخاب کنند. چون مردم به خاطر بازسازی باغات و کشاورزی و دامداری که شغل اصلی شان بوده به روستاهای اصلی خویش باز می‌گردند و این کارها در شهرک انجام نمی‌گیرد لذا چنین زندگی پرمشغله‌ای با ماهیت شهرک‌سازی و ادغام و تجمیع روستاییان متناقض است. به‌طور کلی اشتراکات فرهنگی و اجتماعی بین روستاییان هر سه روستا و وضعیت روابط و مناسبات

مطلوب فیما بین آن‌ها در دوران قبل از جنگ و آوارگی را نمی‌توان انکار نمود. لیکن دلیل این‌که با چنین وضعیتی موانع اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از اجزای مهم در شکست طرح ایفای نقش نمودند را باید به گذرهای زمان و آوارگی روستاییان در سطح مناطق و شهرستان‌های مختلف و نهایتاً آشنا نی و تأثیر گرفتن آن‌ها از آداب و رسوم آن مناطق نسبت داد لذا باید گفت اگر چه در طول زمان تمامی جوامع، تحت تأثیر تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... قرار خواهند گرفت و این تغییرات جزو اصول و خصایص ذاتی هر فرهنگ و جامعه‌ای می‌باشد، لیکن تغییر و تحولات ایجاد شده بر اثر ادغام و تجمیع روستاییان در مکان خاصی عملاً به صورتی سریعتر و غیر قابل پیش‌بینی تر نمایان می‌شوند و باعث تأثیرپذیری منفی روستاییان از چنین وضعیتی می‌شود.

از جمله مهمترین مشکلات موجود در طرح شهرک در نظر نگرفتن ابعاد و شیوه زندگی و به‌طور کلی فقدان درکی کامل و درست از روستاییان، از سوی برخی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بوده است. بدین ترتیب فقدان یک نگرش سیستمی در زمینه بازسازی و ادغام و تجمیع روستاییان از مهمترین علل ناکامی طرح بوده، که لزوم به کارگیری چنین نگرشی را تبیین و توجیه می‌نماید. روستاییان از گذشته‌های دور از همه شرایط و عوامل محیطی، طبیعی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و... برای سکنی گریدن و انتخاب محل زندگی بهره گرفته و خواهند گرفت. بر این اساس ناصواب خواهد بود اگر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بدون شناخت کافی در جمیع جهات نسبت به پیشبرد طرح‌های خود اقدام نمایند و همچنان که در تحقیق حاضر مشخص گردید اگر چنین روشنی پیش گرفته شود، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده علاوه بر این‌که باعث

و باسته باشند عملاً برای بازسازی و آبادکردن آن‌ها می‌بایست در نقطه صفر مرزی حضور داشته باشند، در نتیجه دور کردن محل سکونت از محل کسب درآمد و برداشت محصول، تنها زحمت روستائیان را افزایش می‌دهد و به این شکل خواست برخی از مسئولین مبنی بر خالی کردن مرز از سکنه تحقق نمی‌یابد. ثالثاً: اگر خواست برنامه‌ریزان این بوده که روستائیان را به محلی دورتر از محل سکونت قبلی خود منتقل کنند به‌طوری‌که هیچگونه ارتباطی با باغات و مزارع نداشته باشند، می‌بایست تأمین معیشت روستائیان و درآمد قابل قبول خانوار را تضمین می‌کردن، در حالی که چنین تضمینی که روستائیان را قانع کند به هیچ عنوان وجود نداشت.

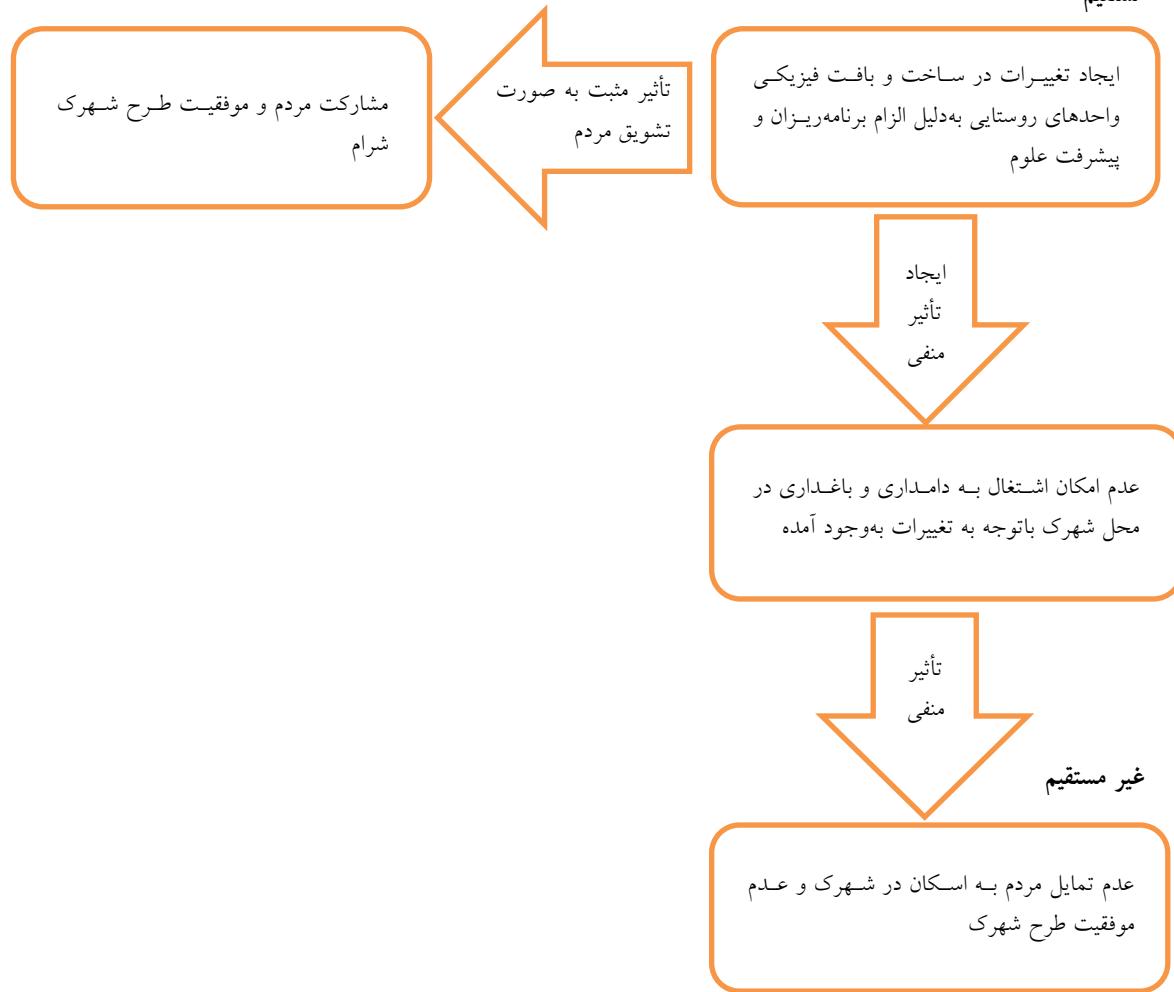
در طرح شهرک یکی از مواردی که برای آن برنامه‌ریزی‌های بیشتری صورت گرفته بود، بعد فضایی - کالبدی آن بوده است. شور و نشاط زندگی اجتماعی در روستا، خودکفایی نسبی اقتصادی و... تماماً به عنوان محركی محسوب می‌شوند که ادغام و تجمیع روستاهای باعث تخریب آن می‌شود. بنابراین روستایی هرگز چنین وضعیتی را نخواهد پذیرفت. باید پذیرفت که از نظر روستائیان واحد مسکونی ایده‌آل واحدی نیست که براساس وضعیت روز و سبک‌های جدید ساخت و ساز بنا گردد، بلکه روستایی واحدی را می‌خواهد که مطابق با نیازهای روزانه زندگی وی باشد. بنابراین دخالت‌های روستاییان و حساسیت‌های آنان را مورد توجه قرار دادن باید به صورتی پویا در طول طرح مدنظر قرار گیرد. به‌طور کلی باید گفت که ایجاد تغییرات در ساخت و بافت فیزیکی واحدهای مسکونی به عنوان یکی از عوامل عدم موفقیت طرح شهرک شرام مطرح بوده، ولی نباید از یاد برد که تأثیر چنین عواملی به صورت غیرمستقیم بوده‌است، یعنی تغییرات به وجود آمده در ساخت و بافت فیزیکی عملاً باعث ایجاد

ایجاد تغییراتی فضایی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی (از جمله تغییر شکل و معماری واحدهای مسکونی، از بین رفتن برخی آداب و رسوم‌ها، تغییر در شیوه‌های مختلف زندگی و وضعیت معیشت خانواده‌ها و...) در ابعاد مختلف زندگی روستاییان می‌شود، به نتیجه مطلوب و مناسبی نیز نخواهند رسید و از همه مهمتر روستاییان نیز از چنین وضعیتی ناراضی خواهند بود.

در رابطه با علل و عوامل اقتصادی می‌توان گفت تفاوت در وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی و فرهنگی مصاحبه‌شوندگان در چگونگی ارزیابی طرح شهرک نیز تأثیر گذار بوده است. مثلاً کسانی که دارای شغل دولتی بوده و جایگاه اجتماعی مطلوبی داشته‌اند، کمتر بر روی مسائل و مشکلات اقتصادی پیش‌روی طرح شهرک تأکید می‌کردن. با در نظر گرفتن اینکه روستاییان قبل از جنگ بدون نیاز به کمک‌های گسترده تا حدودی دارای ثبات اقتصادی بوده‌اند؛ یکی از اصلی‌ترین موضوعات نادیده گرفته شده در این طرح مسئله چگونگی تأمین معیشت روستاییان در شهرک بود، به‌طوری‌که با فرض در نظر گرفتن تأمین معیشت آنان از طریق احیای باغ‌ها و مزارع قدیمی و اشتغال به فعالیت‌های دامداری در روستاهای اصلی، عملاً با عنایت به دور بودن محل زندگی از محل کسب و کار این روش برای رفع چنان مشکلی چندان مطمئن به‌نظر نمی‌رسید. علاوه بر این در مورد علل و عوامل اقتصادی چندین نکته که تناقضات موجود در جریان طرح را مشخص می‌سازد قابل توجه می‌باشد. اولاً: باید قبول نمود که تنها منبع درآمد روستاییان باغات و مزارعی بوده که حاصل تلاش و زحمت سالیان دراز خود روستاییان و یا پدرانشان بوده و دل کندن از آن‌ها غیر ممکن بوده است. ثانیاً: اگر قرار باشد روستاییان برای امرار معاش خود همچنان به باغات و مزارع خود

تغییرات در ساختارهای اشتغال و اقتصادی مردم می‌شد و بر این اساس مردم نیز حاضر به قبول چنین وضعیتی نمی‌شدند. چه بسا اگر تغییرات به وجود آمده تنها مختص به وضعیت فضایی و کالبدی روستاهای می‌شد،

مستقیم



#### ن ۱. تأثیر مستقیم و غير مستقیم علل فیزیکی و کالبدی بر شکست طرح شهرک.

بازسازی و ادغام و تجمیع مناطق روستایی را مورد توجه قراردهیم متوجه خواهیم شد که دارای ابعاد پیچیده‌ای می‌باشد. لذا آنچه لازم است در تهیه چنین

در نهایت باید گفت تکیه بر یکی از ابعاد فوق در مسئله تجمیع، کارساز نیست و هر نوع اقدامی در این زمینه با ناکامی مواجه خواهد شد و از هر جنبه‌ای قضیه

با توجه به موارد فوق تمامی جنبه‌ها و دلایل مطرح شده اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، فضایی - کالبدی و... در ناکامی طرح‌های ادغام و تجمعیع دخیل می‌باشند و تفاوت آن‌ها در میزان و شدت این تأثیرگذاری می‌باشد، به‌طوری‌که در این میان علل و عوامل اجتماعی - فرهنگی نقش اصلی و مهم را ایفا می‌نمایند.

### پی‌نوشت

1. Combining
2. Regularising
3. Shram district
4. Hani garmelah
5. Bidarwaz
6. Kaimenah
7. Paveh township
8. Replacement
9. Purpose ful
10. Theoretical
11. Sample Size

### فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی؛ زارع، عادل؛ ایمانی، علی. (۱۳۸۷)، رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی، تهران، نشر نسی، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان، چاپ پنجم.
- ادب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش. (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران، انتشارات بشری، چاپ اول.
- افراحته، حسن. (۱۳۷۶)، ارزیابی نتایج حاصله از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور «مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان»، مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده (صفحه ۸۶ - ۹۸)، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- آسایش، حسین. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی، چاپ اول.

طرح‌هایی مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. روابط، پیوندها و تعاملات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی روستاییان.

۲. خصایص و ویژگی‌های محلی روستاییان به‌لحاظ معیشتی، شغلی، فرهنگی و ... .

۳. ویژگی‌های محیطی و کالبدی - فضایی محل سکونت روستاییان در گذشته، حال و آینده.

بدین ترتیب در ارتباط با فرضیات اولیه تحقیق مشخص گردید که:

۱. با وجود اینکه علل و عوامل فضایی - کالبدی تنها عواملی هستند که در پاره‌ای جهات وضعیت مطلوبی برای روستاییان فراهم نموده‌اند، لیکن به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم به‌عنوان یکی از ابعاد ناکامی طرح‌های ادغام و تجمعیع ایفای نقش می‌کنند. بدین ترتیب در نگاه اول دلایل و عوامل فضایی - کالبدی به‌دلیل ویژگی‌های بارز و شاخص‌بودن آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲. علل و عوامل اجتماعی - فرهنگی با توجه به خصلت نرم‌افزاری و لزوم گذشت زمان برای نمایان شدن آثارشان، به‌عنوان ظرفیت‌رین و در عین حال مهمترین دلایل ناکامی طرح‌های ادغام و تجمعیع مطرح می‌باشند. به‌طوری‌که این‌گونه دلایل با وجود اینکه کمتر شکل عینی و ملموسی دارند، لیکن به‌عنوان مهمترین عامل، نقش تردیدناپذیر و غیر قابل انکاری را در ناکامی طرح‌ها ایفا می‌نمایند.

۳. علاوه بر فقر و ناتوانی اقتصادی روستاییان، علل و عوامل اقتصادی در ناکامی طرح شهرک تأثیر بسزایی داشته‌اند. این عوامل به‌دلیل ارتباط و تأثیرگذاری مستقیم آن‌ها بر وضعیت معیشت، گذران زندگی و نیازهای اساسی روستاییان از جمله علل اساسی ناکامی طرح‌ها می‌باشند.

- پاتنام، رابت؛ کلمن، جیمز؛ آفه، کلاوس- بوردیو، پیر؛ فوکویاما، فرانسیس و دیگران. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، به کوشش کیان تاجبخش، تهران، نشر شیرازه، چاپ دوم.

- حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۳)، مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه (جلد دوم)، صص ۲۸۵-۲۱۳، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.

- رحمتی، محمد مهدی. (۱۳۷۵)، ادغام روستاهای دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی ناشی از آن، مورد: روستاهای زلزله‌زده روبار و منجیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- رضوانی، محمد رضا. (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.

- صفائیخ، محسن. (۱۳۷۲)، الگوهای اسکان جمیعت، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره سوم(۶)، جلد دوم، صص ۱۹۲-۲۳۶.

- صمیمی، احمد. (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی و توسعه، مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول، صص ۱۶۷-۱۶۸.

- طالب، مهدی. (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- فلیک، اووه. (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ اول.

- گیدنر، آتنونی. (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- مردای، صباح. (۱۳۷۶)، روند جابه‌جایی و ادغام روستاهای پیامدهای آن (مورد: شهرستان پاوه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.

- Cernea.M.Michael(1995)Literature on development-induced displacement and resettlement,The world bank publications.(<http://www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR12/fmr12.5.pdf>)